

اجلاس نوامبر ۲۰۰۴ شورای حکام

دو هفته قبل از برگزاری اجلاس نوامبر ۲۰۰۴ شورای حکام، جمهوری اسلامی ایران و سه کشور اروپایی انگلیس، آلمان و فرانسه در شهر پاریس به موافقت نامه ای دست یافتند. موافقت نامه پاریس که در ۲۵ آبان ۱۳۸۳ (۱۵ نوامبر ۲۰۰۴) منعقد شد، در شرایطی شکل گرفت که طرف اروپایی به تعهد خود مبنی بر عادی کردن موضوع هسته ای ایران در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام عمل نکرد و نه تنها در این اجلاس، بلکه در اجلاس بعدی شورا در ماه سپتامبر نیز به صدور قطعنامه علیه ایران پرداخت. از طرف دیگر، سه کشور اروپایی دنبال این بودند که تعلیق را تا حد اعلای آن گسترش دهند. در موافقت نامه پاریس، ایران تعهدات زیر را پذیرفت:

- تأکید می کند که طبق ماده ۲ NPT به دنبال اکتساب سلاح های هسته ای نبوده و نخواهد بود.

- تعهد به همکاری کامل و شفاف با آژانس بین المللی انرژی اتمی.

- ادامه اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی تا تصویب آن.

- ادامه تعلیق براساس داوطلبانه و به منظور اعتماد سازی بیشتر و گسترش آن تا شامل تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازفرآوری و به ویژه این موارد گردد: ساخت و واردات سانتریفیوژهای گازی و قطعات آن ها، مونتاژ، نصب، آزمایش یا اداره سانتریفیوژهای گازی، کار درمورد جداسازی پلوتونیوم یا ساخت یا اداره هر تأسیسات جداسازی پلوتونیوم، و تمامی آزمایش ها یا تولید در هر نوع تأسیسات تبدیل اورانیوم. آژانس، در جریان این تعلیق قرار خواهد گرفت و از آن برای راستی آزمایی و نظارت بر تعلیق دعوت خواهد شد. تعلیق به موقع انجام خواهد شد، به گونه ای که آژانس قبل از اجلاس نوامبر شورای حکام آن را تأیید نماید. حفظ تعلیق مادامی که مذاکرات درمورد یک موافقت نامه ترتیبات درازمدت که مورد قبول طرفین باشد پیگیری می شود، حفظ خواهد شد و برای ادامه کل فرآیند ضروری خواهد بود.

- این موافقت نامه، تضمین های عینی فراهم خواهد کرد که برنامه هسته ای ایران منحصراً برای مقاصد صلح جویانه می باشد.

تعهدات سه کشور اروپایی نیز به شرح زیر می باشد:

- به رسمیت شناختن حقوق ایران تحت NPT که مطابق با تعهداتش تحت معاهده و بدون تبعیض اعمال می شود.

- تعلیق، یک اقدام اعتمادساز داوطلبانه است و نه یک تعهد حقوقی.

- حمایت از گزارش مدیرکل به شورای حکام در صورتی که ضروری می بیند و درچارچوب اجرای موافقت نامه پادمان ایران و پروتکل الحاقی.
- حمایت از مدیرکل آژانس برای دعوت از ایران برای پیوستن به گروه کارشناسی رهیافت های چند جانبه چرخه سوخت هسته ای.
- ازسرگیری مذاکرات با اتحادیه اروپا درمورد موافقت نامه تجارت و همکاری پس از راستی آزمایی تعلیق.
- حمایت فعال از شروع مذاکرات الحاق ایران به WTO.
- تعهدات مشترک ایران و سه کشور اروپایی نیز به این شرح می باشند:
- تأکید بر تعهد خود به NPT.
- آغاز مذاکرات باهدف دستیابی به موافقت نامه مورد قبول طرفین درمورد ترتیبات درازمدت. این موافقت نامه، تضمین های عینی برای مقاصد صرفاً صلح جویانه برنامه هسته ای ایران و همچنین تضمین های محکم درمورد همکاری های هسته ای، فنی و اقتصادی و تعهدات قطعی درمورد موضوعات امنیتی فراهم می کند. در این خصوص، یک کمیته راهبری با سه کارگروه سیاسی و امنیتی، هسته ای، اقتصادی و فناوری ایجاد خواهد شد.
- تأکید بر قصد خود مبنی بر مبارزه با تروریسم، شامل فعالیت های القاعده و دیگر گروه های تروریستی نظیر منافقین.
- تأیید حمایت مداوم از فرایند سیاسی در عراق با هدف استقرار یک دولت منتخب، طبق قانون اساسی.

درخصوص این موافقت نامه، ذکر توضیحات زیر ضروری است:

۱. پس از این موافقت نامه، زمان علیه ایران رقم خورد و سه کشور سعی کردند تا با طولانی کردن مذاکرات، عملاً برنامه غنی سازی را در ایران متوقف سازند. قید این موضوع که تعلیق مادامی که مذاکرات ادامه دارد برای حفظ کل فرایند ضروری است و همچنین ارتباط دادن موضوع هسته ای به مباحث سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فناوری (مانند مبارزه با تروریسم، سازمان تجارت جهانی، موافقت نامه تجارت و همکاری و...) حکایت از قصد طرف مقابل برای تطویل مذاکرات و به تبع آن، تطویل و دائمی شدن تعلیق و همچنین جایگزینی چرخه سوخت هسته ای با مباحث غیرهسته ای داشت. ورود مباحث غیرهسته ای در آن مقطع که

پذیرش اصل اعمال حق هسته ای ایران مورد مناقشه طرف مقابل بود، انحرافی در موضوع هسته ای به شمار می رود.

۲. در این موافقت نامه نیز شاهد تعهدات صریح و اجرایی ایران و کلی گویی در مورد تعهدات طرف اروپایی که در واقع تعهد محسوب نمی شوند، هستیم. نابرابری کمی و کیفی تعهدات سیاسی و حقوقی طرفین، فوریت، شفافیت و لازم الاجراء بودن تعهدات ایران در مقابل تعهدات مبهم و کلی اروپا در این موافقت نامه سبب شد تا ایران به عنوان مجری اصلی این موافقت نامه مورد خطاب قرار گیرد. تا آنجا که به موضوع تعهدات ایران مربوط می شود، تعریف و دامنه تضمین های عینی مشخص نیست و می تواند شامل طیف گسترده ای از تضمین ها شود. در واقع، همانگونه که قبلاً اشاره شد، سه کشور قدم به قدم به گونه ای حرکت کردند که برنامه چرخه سوخت و غنی سازی را در ایران متوقف سازند. ارائه طرح ۵ اوت ۲۰۰۵ توسط آنان که به دنبال موافقت نامه پاریس صورت گرفت، این موضوع را به خوبی نشان می دهد. از اینجاست که می توان پی برد منظور این کشورها از تضمین های عینی، همان توقف دائمی چرخه سوخت و غنی سازی بود.

۳. در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ در اجلاس شورای حکام قطعنامه ای درخصوص موضوع هسته ای ایران صادر شد. ظاهراً این قطعنامه برای این صادر شد که یکی از تعهدات سه کشور یعنی حمایت از گزارش مدیرکل آژانس در مورد اجرای پادمان ها و پروتکل الحاقی در ایران در صورت ضرورت را عملی نماید. این قطعنامه هم به اجرای تعهدات ایران اشاره داشت و از آن ها استقبال کرد و هم به برخی مسائل دیگر نظیر درخواست از ایران برای تصویب پروتکل الحاقی، ابراز نگرانی شدید از سیاست پنهان کاری ایران تا اکتبر ۲۰۰۳ و ابراز نگرانی از تولید UF<sub>6</sub> تا ۲۲ نوامبر پرداخت. این در حالی بود که با توجه به گسترش تعهدات ایران و اجرای بخش مهم آن یعنی گسترش تعلیق قبل از برگزاری شورای حکام، قطعنامه مزبور می توانست قطعنامه ای کاملاً مثبت باشد و شورای حکام تصمیم بگیرد که موضوع هسته ای ایران را به صورت کامل از دستورکار خود خارج نماید. لازم به توضیح است که ایران بلافاصله پس از انعقاد موافقت نامه پاریس، کتباً از آژانس خواست تا تعلیق را راستی آزمایی نماید. گسترش تعلیق که از ۲۲ اکتبر ۲۰۰۴ اجرایی شد، طی دو مرحله در ۲۵ و ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ مورد تأیید آژانس قرار گرفت.

۴. تعلیق، طبق این موافقت نامه به حدی گسترش یافت که نه تنها موارد مندرج در بیانیه تهران و موافقت نامه بروکسل را دربرگرفت، بلکه آن را توسعه داد و حتی شامل فعالیت های غیرمرتبط با غنی سازی نیز شد، به گونه ای که فعالیت های تبدیل اورانیوم (UCF اصفهان) را نیز شامل شد. این درحالی بود که حتی آژانس در ضمیمه بیانیه تهران که فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازآوری را به طور کاملاً موسع لیست کرده بود، حرفی از فعالیت های تبدیل اورانیوم به میان نیاورده بود. در هرصورت، جمهوری اسلامی ایران رسماً از تاریخ ۲ آذرماه ۱۳۸۳ برابر با ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴ متعاقب موافقت نامه پاریس فعالیت های تأسیسات UCF اصفهان را به حالت تعلیق درآورد.

۵. پس از اجلاس نوامبر شورای حکام، شاهد گزارش مدیرکل آژانس درمورد موضوع هسته ای ایران در دو اجلاس مارس و ژوئن ۲۰۰۵ حکام نیستیم. البته، موضوع از دستورکار شورا خارج نشده بود و ارائه جمعبندی رئیس شورای حکام درمورد ایران وجود داشت. اما این موضوع نیز طولی نکشید و از اجلاس اوت ۲۰۰۵ مجدداً شاهد روند از سرگیری صدور قطعنامه علیه ایران در این شوار هستیم.

۶. درخصوص حمایت طرف اروپایی از مدیرکل آژانس برای دعوت از ایران برای پیوستن به گروه کارشناسی رهیافت های چند جانبه چرخه سوخت هسته ای باید گفت که در ژوئن ۲۰۰۴ آقای البرادعی یک گروه کارشناسی ۲۹ نفره را از ۲۵ کشور (شامل ایران) و رژیم صهیونیستی اسرائیل تشکیل داد. این گروه مأموریت داشت که به تجزیه و تحلیل مسائل و گزینه های مربوط به رهیافت های چندجانبه چرخه سوخت هسته ای بپردازد. گزارش این گروه در ۲۲ فوریه ۲۰۰۵ آماده و ارائه گردید. این گزارش که اجماع تمامی اعضای گروه را نیز دربرداشت، راه کارهایی را به این شرح پیشنهاد نمود: تقویت مکانیسم های موجود بازار تجاری توسعه و اجرای تضمین های تأمین بین المللی با مشارکت آژانس، ترویج تبدیل داوطلبانه تأسیسات موجود به رهیافت های چندجانبه سوخت هسته ای، ایجاد تأسیسات چندجانبه به ویژه منطقه ای براساس مالکیت مشترک. روح کلی این راه کارها، تقویت مکانیسم های چندجانبه برای تضمین تأمین سوخت هسته ای است و از آنجا که گروه کارشناسی مربوطه اجماعی در این خصوص نداشت، این گزارش جنبه عملیاتی پیدا نکرد. درواقع، این تعهد خاصی نبود که طرف اروپایی آن را متقبل شده بود، ضمن این که منافع یا امتیاز خاصی نیز برای ایران محسوب نمی شود.

در اجلاس نوامبر ۲۰۰۴ شورای حکام، گزارش مدیرکل آژانس درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران مدنظر قرار گرفت. این گزارش، شامل نکات زیر می باشد:

- برخی از ابعاد فعالیت های چرخه سوخت هسته ای در ایران و آزمایش ها به ویژه در زمینه غنی سازی اورانیوم، تبدیل اورانیوم و جداسازی پلوتونیوم براساس تعهدات ایران برابر با موافقت نامه پادمان اظهار نشده است. از اکتبر ۲۰۰۳ تاکنون پیشرفت های خوبی برای اصلاح این نقض ها صورت گرفته و آژانس امکان یافته است که برخی ابعاد اظهارنامه های ایران را تأیید کند.

- درخصوص منشا آلودگی، نتایج بررسی های آژانس درجهت حمایت از اظهارنامه های ایران می باشد، مبنی بر این که بیشتر آلودگی مشاهده شده منشأ خارجی دارد.

- آژانس درحال بررسی و ارزیابی گستره برنامه غنی سازی سانتریفیوژی ایران و موضوع سانتریفیوژهای P1 و P2 است.

- تمامی مواد هسته ای اظهارشده در ایران حسابرسی شده و به سمت مقاصد ممنوعه منحرف نشده است. اظهارنظر درخصوص مواد و فعالیت های هسته ای اظهارنشده بعد از این که پروتکل الحاقی لازم الاجراء شد، فرایندی زمان بر است.

- ایران به آژانس اجازه داد تا به عنوان اقدام اعتمادساز، از تعدادی سایت های نظامی از جمله کلاهدوز و لویزان بازدید نماید. آژانس هیچ فعالیت مرتبط با هسته ای در کلاهدوز یافت نکرده و درحال بررسی اطلاعات درباره سایت لویزان می باشد.

نماینده جمهوری اسلامی ایران در آژانس نیز با قرائت بیانیه ای اظهار داشت که ایران از هیچ تلاشی برای غلبه بر فضای خصمانه و حرکت به جلو با قول و تعهد اعتمادسازی و شفافیت و همکاری با آژانس دریغ نکرده است. در این بیانیه، اقدامات برخی کشورها در صدور قطعنامه به عنوان محکی برای موافقت نامه پاریس برشمرده شد.

جنبش عدم تعهد نیز با صدور بیانیه ای با استقبال از انعقاد موافقت نامه پاریس بین ایران و سه کشور اروپایی، از همکاری های ایران با آژانس استقبال کرد. عدم تعهد با قدردانی از اقدامات اعتمادساز ایران نظیر تعلیق، تصریح کرد که اقدامات اعتمادساز داوطلبانه باید از تعهدات حقوقی تفکیک شوند و به تعهدات پادمانی تبدیل نشوند.

## ۱. گزارش مدیرکل آژانس در خصوص اجرای موافقت نامه پادمان در ایران<sup>۱</sup>

### الف) اجرای پادمان (مسائل پادمانی)

#### معادن کاری و تغلیظ سنگ اورانیوم

ایران برنامه درازمدتی برای اکتشاف ذخائر اورانیوم دارد و دو مکان را برای توسعه به عنوان معادن انتخاب کرده است. در معدن ساغند که در استان یزد در مرکز ایران قرار دارد، رگه های سنگ های سخت صخره ای از طریق روش های متعارف معدن کاوی زیرزمینی استخراج خواهد شد. قرار است این سنگ در کارخانه تابعه اردکان که کارخانه تولید کیک زرد می باشد، به کنسانتره سنگ اورانیوم (کیک زرد) فرآوری شود. در جنوب ایران نزدیک بندرعباس، ایران معدن اورانیوم گچین را بنا کرده و کارخانه آن را نیز در همان مکان ساخته است. سنگ اورانیوم که در ذخائر نزدیک به سطح زمین یافت شده اند، معادن روباز بوده و در کارخانه تابه فرآوری خواهند شد. ایران در اظهارنامه های پروتکل الحاقی مورخ ۲۱ ماه مه ۲۰۰۴ اطلاعاتی را درخصوص مکان، وضعیت عملیاتی و ظرفیت تولید سالیانه تخمینی معدن و کارخانه گچین، معدن ساغند و کارخانه تولید کیک زرد به آژانس ارائه نمود. آژانس در تاریخ های ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۴ در گچین، ۶ اکتبر ۲۰۰۴ در معدن ساغند و ۷ اکتبر ۲۰۰۴ در کارخانه تولید کیک زرد اردکان دسترسی تکمیلی را اجراء نمود که طی این دسترسی ها آژانس توانست وضعیت اظهارشده این عملیات را تأیید کند. دسترسی به این مکان ها و توضیحات مورد درخواست آژانس، به موقع از سوی ایران فراهم شده اند. ارزیابی آژانس از اطلاعات مرتبط با این معادن و کارخانه ها آن گونه که توسط ایران طبق پروتکل الحاقی اظهار شده اند ادامه دارد، همان طور که تجزیه و تحلیل نمونه های گرفته شده از آن مکان ها استمرار دارد.

#### تبدیل اورانیوم

ایران عمده آزمایش هایش را در تبدیل اورانیوم بین سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۳ در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و در مرکز فن آوری هسته ای اصفهان انجام داد. برخی آزمایش ها نیز طی اوائل سال ۲۰۰۲ انجام گردید. ایران در سال ۱۹۹۱ برای ساخت تأسیسات تبدیل در اصفهان در مقیاس صنعتی با یک تأمین کننده خارجی وارد گفتگو شد. ساخت تأسیسات UCF در اواخر دهه ۹۰ شروع شد. UCF متشکل از چندین خط تبدیل است که خط اصلی در میان آن ها تبدیل کیک زرد به UF<sub>6</sub> با ظرفیت تولید سالانه ۲۰۰ تن اورانیوم به عنوان UF<sub>6</sub> می باشد. قرار است UF<sub>6</sub> به تأسیسات غنی سازی

---

<sup>۱</sup> GOV/۲۰۰۴/۸۳, ۱۰ NOVEMBER ۲۰۰۴.

اورانیوم در نطنز فرستاده شود، جایی که اورانیوم تا پنج درصد  $U-235$  غنی سازی شده و محصول و بقایای آن به  $UCF$  بازگردانده خواهد شد تا به  $UO_2$  با غنای پائین و فلز اورانیوم تهی شده تبدیل گردد.  $UO_2$  طبیعی و  $UO_2$  غنی شده ( $U-235-0.5\%$ ) قرار است به کارخانه تولید سوخت در اصفهان فرستاده شوند، جایی که ایران گفته است این مواد به منظور سوخت برای یک رآکتور تحقیقاتی و رآکتورهای برق فرآوری خواهد شد. ایران در مارس ۲۰۰۴ آزمایش خطوط فرآوری حاوی تبدیل کیک زرد به  $UO_2$  و  $UF_4$  و تبدیل  $UF_4$  به  $UF_6$  را آغاز کرد. ایران اعلام کرده است که  $UCF$  قرار بوده است تحت یک قرارداد تحویل کامل (turn-key) با یک تأمین کننده خارجی ساخته شود. اما هنگامی که قرارداد در سال ۱۹۹۷ ملغی شد، ایران طراحی های مهندسی را نزد خود حفظ نمود و از آن ها به عنوان مبنای ساخت این کارخانه با کمک منابع ایرانی استفاده کرد. ایران، اطلاعات طراحی اولیه را در ژوئیه ۲۰۰۰ به آژانس ارائه کرد. آژانس از آن زمان در حال اجرای مستمر راستی آزمایی اطلاعات طراحی می باشد.

مبنای طراحی و آزمایش های تبدیل: ایران در فوریه ۲۰۰۳ تصدیق کرد که در سال ۱۹۹۱ اورانیوم طبیعی را به طرق مختلف وارد نموده<sup>۱</sup> و این که بعضی از این مواد را برای آزمایش بخش های خاص فرآوری تبدیل  $UCF$  استفاده نموده بود. در فاصله زمانی بین فوریه و ژوئیه ۲۰۰۳ ایران اعلام کرد که این اطلاعات به همراه اسناد فراهم شده توسط تأمین کننده خارجی برای این که به ایران اجازه دهد به طور بومی طراحی تفصیلی و تولید قطعات برای  $UCF$  را کامل کند، کافی بوده است. ایران در نامه ای به تاریخ ۱۹ اوت ۲۰۰۳ تصدیق کرد آزمایش های تبدیل  $UF_4$  را در مقیاس آزمایشگاهی طی دهه ۹۰ در آزمایشگاه های رادیوشیمی مرکز تحقیقات هسته ای تهران انجام داده و این آزمایش ها را با استفاده از اورانیوم تهیه شده که در سال ۱۹۹۷ وارد کرده و در هنگام دریافت از نظارت پادمان معاف شده بودند، اجراء کرده است. در اکتبر ۲۰۰۳، ایران تصدیق نمود که عملاً تمام مواد مهم برای تبدیل اورانیوم در آزمایشگاه تولید شده بود و فعالیت هایی در مقیاس آزمایشگاهی (در مقادیر کیلوگرم) در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و در مرکز فن آوری هسته ای اصفهان بین سال های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۳ انجام شد. اسناد فراوان طراحی  $UCF$  که گفته شد توسط تأمین کننده خارجی فراهم گردیده بود، در اختیار آژانس قرار گرفت. براساس بررسی بخشی از آن اسناد و با در نظر گرفتن اظهارنامه های ایران درخصوص آزمایش های تبدیل مرتبط با  $UCF$ ، کارشناسان تبدیل در آژانس نتیجه گیری کردند

---

<sup>۱</sup> به صورت  $UF_6$  (۱۰۰۰ کیلوگرم)،  $UF_4$  (۴۰۰ کیلوگرم) و  $UO_2$  (۴۰۰ کیلوگرم) (آژانس).



اظهارات ایران مبنی بر این که UCF اساساً بر مبنای این اسناد و نتایج حاصل از آزمایش های بومی ساخته شده، معتبر می باشد. همان طور که در آخرین گزارش مدیر کل به شورا (GOV/۲۰۰۴/۶۰) اشاره شد، پیگیری های بیشتر در خصوص فعالیت های تبدیل ایران، به عنوان یک موضوع عادی اجرای پادمان انجام خواهد شد.

استفاده های در نظر گرفته شده برای محصولات UCF: در اطلاعات طراحی UCF که در ژوئیه سال ۲۰۰۰ ارائه شد، کاربردهای مورد نظر برای تأسیسات این گونه توصیف شده بود: برای تبدیل یک زرد به UF<sub>۶</sub>، برای تبدیل بعدی (در UCF) UF<sub>۶</sub> با غنای پائین به UO<sub>۲</sub> با غنای پائین (۲۳۵-U ۰.۵٪)، تبدیل UF<sub>۶</sub> با غنای پائین به فلز اورانیوم با غنای پائین و تبدیل UF<sub>۶</sub> تهی شده به UF<sub>۴</sub> تهی شده. آژانس طی راستی آزمایی اطلاعات طراحی در سال ۲۰۰۲ متوجه شد که خط فرآوری UF<sub>۴</sub> تهی شده توسعه یافته تا شامل یک خط فرآوری برای تولید فلز اورانیوم گردد و از ایران خواست تا اطلاعات طراحی روزآمد شده را ارائه نماید. ایران این کار را در آوریل ۲۰۰۳ انجام داد. در ژوئیه ۲۰۰۳ مقام های ایرانی توضیح دادند که در اوائل دهه ۹۰ هنگامی که کشور تصمیم گرفت در برنامه هسته ای خود تجدیدنظر کند، مطمئن نبودند که این امر شامل کدام یک از رآکتورهای کندو (Candu) و مگنوکس (Magnox) یا رآکتورهای آب سبک خواهد بود. بنابراین، تصمیم گرفته شد تا در تأسیسات تبدیل اورانیوم یک خط تولید فلز اورانیوم گنجانده شود که می توانست برای تولید مواد محافظ نیز به کار رود. با این وجود، اکنون که تصویر روشن تر است آزمایش های تبدیل فلز اورانیوم می توانسته به عنوان فرایندی از کسب دانش فنی در تولید مواد هسته ای در نظر گرفته شود.<sup>۱</sup> ایران در نامه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ تصدیق کرد فلز اورانیوم نه تنها برای تولید مواد محافظ همانطور که قبلاً اعلام کرده، بلکه برای استفاده در برنامه غنی سازی لیزر نیز در نظر گرفته شده بود. ایران اظهار داشت که خط فرآوری فلز اورانیوم در UCF توسط دانشمندان ایرانی در آزمایشگاه های مرکز تحقیقات هسته ای تهران توسعه داده شده بود و مقدار کمی از فلز تولید شده در مرکز تحقیقات هسته ای تهران طی آزمایش های توسعه (حدود ۲ کیلوگرم) برای ارزیابی به گروه لیزر داده شد. با توجه به این موارد، استدلال اعلام شده برای ساخت اولیه خط فرآوری فلز اورانیوم طبیعی در UCF (یعنی تأمین فلز اورانیوم برای برنامه غنی سازی لیزر) معتبر است.

---

<sup>۱</sup> رآکتورهای Candu از سوخت اکسید اورانیوم طبیعی استفاده می کنند. رآکتورهای Magnox از سوخت فلز اورانیوم طبیعی استفاده می کنند و رآکتورهای آب سبک (LWRs) از اکسید اورانیوم غنی شده (عموماً کمتر از ۵ درصد) استفاده می کنند (آژانس).

## غنی سازی اورانیوم- گسترش فن آوری سانتریفیوژ گازی

ایران در سال ۱۹۸۵ تلاش های خود برای غنی سازی سانتریفیوژ گازی را با جستجو برای یافتن دانش فنی موجود آغاز کرد. در سال ۱۹۸۷، ایران از طریق یک شبکه تأمین به طراحی های سانتریفیوژ P1 همراه با نمونه هایی از قطعات سانتریفیوژ دست یافت. بنا به گفته ایران، تحقیق و توسعه آزمایش سانتریفیوژ گازی در مرکز تحقیقات هسته ای تهران در سال ۱۹۸۸ شروع شد و تا سال ۱۹۹۵ در آنجا ادامه یافت. در این زمان، این فعالیت ها به یک کارگاه در شرکت کالای الکتریک، متعلق به سازمان انرژی اتمی، انتقال یافت. بین سال های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲، ایران سانتریفیوژهای P1 را در کارگاه شرکت کالای الکتریک مونتاژ کرده و مورد آزمایش قرار داد. ایران در سال ۲۰۰۱ ساخت دو کارخانه را در نطنز آغاز نمود. کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت در مقیاس کوچک تر که برای ایجاد ۱۰۰۰ سانتریفیوژ جهت غنی سازی اورانیوم تا ۵٪ طراحی شده و کارخانه غنی سازی سوخت در مقیاس صنعتی که برای گنجایش بیش از ۵۰۰۰۰ سانتریفیوژ P1 جهت غنی سازی اورانیوم تا ۵٪ در نظر گرفته شده است. ایران در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۳، UF<sub>6</sub> را در اولین سانتریفیوژ در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت وارد کرد. در اکتبر ۲۰۰۳ نصب یک آبشار مرکب از ۱۶۶ دستگاه سانتریفیوژ به مرحله نهائی رسید. در نوامبر ۲۰۰۳، این آبشار بسته شد. بر طبق آخرین بازرسی آژانس در ۱۱ اکتبر، این آبشار عملکردی نداشته و گاز UF<sub>6</sub> دیگر جهت تغذیه سانتریفیوژ در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت به کار نمی رود. قرار بر این است که کارخانه غنی سازی سوخت از اوائل سال ۲۰۰۵ دریافت سانتریفیوژها را پس از آن که این طرح با آزمایش هایی که در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت مورد تأیید قرار می گیرد، آغاز کند. طبق گفته ایران، تنها کاری که در مورد طرح P2 انجام شده، بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به اجراء درآمده است که عمدتاً در کارگاه یک شرکت خصوصی تحت قرارداد با سازمان انرژی اتمی ایران صورت گرفت و این کار محدود به تولید و آزمایش فنی تعداد کمی از روتورهای P2 اصلاح شده بوده است. ایران گفته است که هیچ نهاد، شرکت یا سازمانی دیگر در ایران (از جمله دانشگاه ها) درگیر تحقیق و توسعه نبوده اند. ایران همچنین اظهار داشته است که تمامی تحقیق و توسعه در مورد سانتریفیوژهای P2 خاتمه یافته و هیچ کار دیگری در مورد آن یا طرح سانتریفیوژ دیگری قبل از سال ۲۰۰۲ یا از سال ۲۰۰۳ انجام نشده است. معذک در اظهارنامه های پروتکل الحاقی، ایران فعالیت های تحقیق و توسعه را برای آینده پیش بینی کرده است. به دنبال تصویب قطعنامه شورای حکام در سپتامبر ۲۰۰۳، دکتر حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ به مدیرکل آژانس اطلاع داد تصمیم گرفته شده است تا فعالیت های گذشته و کنونی

ایران در زمینه هسته ای به طور کامل به آژانس اعلام شود. در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ ایران نامه ای که آن را ارائه دهنده تصویر کلی از فعالیت های هسته ای خود قلمداد می کرد، به آژانس تسلیم کرد و در آن از جمله استفاده از مواد هسته ای در آزمایش سانتریفیوژها را پذیرفت.

برنامه سانتریفیوژ P1: در فوریه ۲۰۰۳ در پاسخ به تحقیقات به عمل آمده از سوی آژانس که از اوت ۲۰۰۲ از طریق گزارش های منابع باز تسریع شده بود، ایران وجود دو کارخانه غنی سازی سانتریفیوژ در دست احداث در نطنز را تأیید نمود: کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت و کارخانه غنی سازی سوخت. ایران همچنین اذعان نمود که از کارگاه شرکت کالای الکتریک در تهران برای تولید قطعات سانتریفیوژها استفاده شده، لیکن اظهار داشت که هیچگونه آزمایشی روی سانتریفیوژها که از این قطعات مونتاژ شده است نه در آن کارگاه و نه در هیچ محل دیگری در ایران از طریق به کاری گیری مواد هسته ای، انجام نشده است. طبق اطلاعات ارائه شده از سوی ایران در آن زمان کار طراحی، تحقیق و توسعه که گفته شده تنها ۵ سال قبل آغاز گردیده است (۱۹۹۷) براساس اطلاعات موجود از طریق منابع باز و الگوبرداری و شبیه سازی وسیع کامپیوتری انجام گرفته است، از جمله آزمایش های مربوط به روتورهای سانتریفیوژ بدون مواد هسته ای انجام شده است. در ژوئن ۲۰۰۳ ایران تکرار کرد که تحقیق و توسعه سانتریفیوژ تنها در ۱۹۹۷ آغاز شده بود و این کار از طریق آزمایش سانتریفیوژ صورت گرفته است. مکان هایی که گفته می شد ساختمان محل آزمایش در آنجا قرار گرفته، به آژانس نشان داده شد و مجدداً عنوان گردید که طی برنامه آزمایش هیچگونه مواد هسته ای مورد استفاده قرار نگرفته است. در اوت ۲۰۰۳، ایران به آژانس اطلاع داد که تصمیم به راه اندازی یک برنامه غنی سازی سانتریفیوژ در سال ۱۹۸۵ اتخاذ شد و ایران طرح های سانتریفیوژ P1 را از طریق یک واسطه خارجی در سال ۱۹۸۷ به دست آورده است. طبق گفته ایران، فعالیت های تحقیق و توسعه سانتریفیوژ بین سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۳ در کارگاه شرکت کالای الکتریک به اجرا درآمده و در سال ۲۰۰۳ به نطنز منتقل شد. طی بازدید به عمل آمده از ایران در اوت ۲۰۰۳، به آژانس نسخه های الکترونیک طرح های مهندسی سانتریفیوژ نشان داده شد. بازرسان آژانس همچنین توانستند از کارگاه شرکت کالای الکتریک بازدید کرده و نمونه برداری زیست محیطی اخذ نمایند.

علاوه بر تحقیق آژانس در مورد دستیابی ایران به فن آوری غنی سازی، آژانس نمونه برداری های محیطی گسترده ای (تقریباً ۳۰۰ نمونه) در محل هایی که ایران اعلام نمود در آنجا قطعات سانتریفیوژ تولید، فرآوری و یا انبار شده را براساس نیاز انجام داده است تا صحت و کامل بودن اظهارنامه های ایران در مورد فعالیت های غنی سازی را مورد ارزیابی قرار دهد. تجزیه و تحلیل این نمونه ها، ذرات

اورانیوم با غنای کم و بالا نشان گر انواع مواد هسته ای بود که در موجودی اعلام شده مواد هسته ای ایران درج نگردیده بود و به این دلیل، کامل بودن اظهارنامه های ایران درباره فعالیت های غنی سازی سانتریفیوژ را زیر سؤال برد. مقامات ایرانی وجود این ذرات را به آلودگی با منشأ قطعات سانتریفیوژ وارداتی نسبت دادند. در این زمینه، ایران تصریح کرد که اورانیوم را بیش از ۱/۲٪ با استفاده از سانتریفیوژ غنی سازی نکرده است. نتایج تجزیه و تحلیل نمونه های محیطی توسط آژانس به دقت مورد مطالعه قرار گرفته است. براساس مطالب بالا و فعالیت های راستی آزمایی آژانس، ارزیابی فعلی آژانس درباره موضوع آلودگی به شرح ذیل می باشد: از اطلاعات ارائه شده توسط کشوری که بیشترین قطعات وارداتی سانتریفیوژ p1 از آنجا منشأ گرفته، به نظر می رسد که تمامی ذرات اورانیوم با غنای بالا یافته شده در نمونه گیری های انجام شده در ایران از آن کشور باشد؛ و این احتمال دارد که قطعات داخلی که از آن ها نمونه گیری شده است، در شرایط نسبتاً غیرآلوده تولید شده اند و در فرایند غنی سازی به کار برده نشده اند. این قطعات از طریق تجهیزات کنترل کیفیت که در رابطه با قطعات وارداتی و داخلی به کار گرفته شده، آلوده شده اند. به نظر منطقی می رسد که آلودگی با غنای بالای پیدا شده در کارگاه شرکت کالای الکتریک و نطنز نتیجه غنی سازی اورانیوم در این مکان های خاص در ایران نباشد. به طور خلاصه، ارزیابی کلی کنونی آژانس این است که داده های نمونه گیری محیطی موجود، به طور متوازن اظهارات ایران درباره منشأ بیشتر آلودگی ها را تأیید می کند. همچنین آژانس درخواست کرد تا اجازه یابد از سانتریفیوژها و قطعات سانتریفیوژها در محل های مربوطه در کشوری که منشأ اکثر قطعات وارداتی بوده است، نمونه برداری کند. بدین ترتیب، آژانس می تواند به طور مستقل نمونه ها را تجزیه و تحلیل نماید. چنین نمونه برداری و تجزیه و تحلیل مستقل می تواند آژانس را قادر سازد که منشأ اصلی آلودگی و صحت اظهارات ایران را تأیید نماید. مشورت در این موضوع در حال انجام است و انتظار می رود در کوتاه مدت برای چنین نمونه گیری در یک چارچوب متناسب توافق حاصل شود.

برنامه سانتریفیوژ p2: ایران در ژانویه ۲۰۰۴ متعاقب درخواست آژانس درباره برنامه غنی سازی سانتریفیوژ، برای اولین بار اعلام نمود که در سال ۱۹۹۴ طراحی سانتریفیوژ p2 را از منابع خارجی دریافت نمود. ایران در توضیحات ارائه شده در آوریل و می ۲۰۰۴ بیان داشت که طرح p2 حدود سال ۱۹۹۵ دریافت گردید، اما بنا به کمبود منابع تخصیصی و تغییرات در مدیریت سازمان انرژی اتمی ایران، اولویت در آن زمان بر حل معضلاتی که ایران در رابطه با سانتریفیوژ p1 با آن ها روبرو بود، متمرکز گردید و هیچگونه کار عینی درباره پروژه p2 تا بعد از این که قرارداد در اوائل سال ۲۰۰۲ نهائی شد، انجام

نگرفته بود. آژانس از آن هنگام توانسته تا با مالک شرکت خصوصی در مواردی مصاحبه نماید. بنابه اظهار پیمانکار، وی اولین بار طرح P2 را در اوائل سال ۲۰۰۲ رؤیت نمود. او گفت قرارداد در مارس ۲۰۰۳ پایان یافته، لکن وی کار خود را تا ژوئن ۲۰۰۳ ادامه داد و سپس تمامی تجهیزات سانتریفیوژ به سازمان منتقل شد. مقام های ایرانی گفتند که ایران سانتریفیوژ P2 را از خارج دریافت نکرده است و قطعات در داخل در کارگاه پیمانکار تولید شده اند. پیمانکار پذیرفت که از طریق واسطه اروپائی تهیه ۴۰۰۰ مگنت با مختصات مناسب برای استفاده در سانتریفیوژ P2 را سفارش داده است. مقام های ایرانی گفتند در واقع هیچ مگنتی توسط آن واسطه تحویل ایران نشده است، لکن مگنت های وارداتی مربوط به سانتریفیوژ P2 از منابع خارجی دیگری در سال ۲۰۰۲ تهیه شده است. پس از درخواست های آژانس، ایران در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۴ در نهایت کپی قرارداد و گزارش مربوطه را در آوریل ۲۰۰۴ ارائه نمود. به نظر می رسد این اسناد اظهارات ایران را درباره ماهیت کار درخواستی از پیمانکار و کار انجام شده توسط وی بین سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ تأیید می نماید. ایران مجدداً تأکید کرد که اقدامی بر روی طراحی P2 (و یا هرگونه طراحی سانتریفیوژ به غیر از طراحی P1) قبل از ۲۰۰۲ انجام نداده است.

#### غنی سازی - فناوری لیزری

ایران بین ۱۹۸۵ و ۱۹۹۸ با چهار تولیدکننده خارجی قراردادهایی را در زمینه غنی سازی لیزر به روش اتمی و مولکولی منعقد نمود. آژانس درباره دو قرارداد اولیه تأیید کرد که تجهیزات پرتوافکنی غنی سازی لیزر به روش اتمی که ایران دریافت کرده بود، هرگز به طور مناسبی عمل نکرده است و ایران تمامی قطعات تجهیزات غنی سازی به روش مولکولی را دریافت نکرده است. ایران در ارتباط با قرارداد سوم، آزمایش هایی را در آزمایشگاه جداسازی لیزر و آزمایشگاه جداسازی جامع در مرکز تحقیقات هسته ای تهران بین ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰ انجام داد و تجهیزات تهیه شده را بین ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ برچید. ایران با کمک تأمین کننده چهارم یک کارخانه آزمایشی برای جداسازی ایزوتوپ در لشکرآباد در سال ۲۰۰۲ تأسیس نمود، محلی که آزمایش های غنی سازی لیزری در دسامبر ۲۰۰۲ در آنجا انجام گرفت. ایران این تجهیزات را در می ۲۰۰۳ برچید و اعلام نموده است که در حال حاضر برنامه ای برای ازسرگیری غنی سازی اورانیوم با استفاده از جداسازی لیزر ایزوتوپ ندارد. آژانس بررسی برنامه غنی سازی لیزر به روش اتمی در ایران را کامل نموده و به این نتیجه رسیده است که توضیحات درباره سطح غنی سازی انجام شده با استفاده از روش مزبور در آزمایشگاه جداسازی جامع در مرکز تحقیقات هسته ای تهران و لشکرآباد تاکنون همخوانی دارد. ایران تمام تجهیزات اصلی اظهار شده را ارائه کرده

است و توسط آژانس راستی آزمایی شده است. آژانس به نظارت فعالیت های مربوطه به لیزر در ایران در راستای اجرای پادمان به شیوه عادی ادامه می دهد.

#### تولید سوخت

در سال ۱۹۸۵ فعالیت آزمایشگاه تولید سوخت ایران در اصفهان آغاز شد. این کشور، آژانس را در سال ۱۹۹۳ از این موضوع مطلع نمود و اطلاعات طراحی را در سال ۱۹۹۸ به آژانس ارائه کرد. این آزمایشگاه هنوز فعالیت دارد و برای تولید قرص های سوخت در مقیاس کوچک مناسب است. کارخانه تولید سوختی که قرار است در اصفهان ساخته شود و در سال ۲۰۰۷ راه اندازی می شود، بنابر اطلاعات طراحی مقدماتی که توسط ایران ارائه شده قرار است سالانه ۴۰ تن سوخت  $UO_2$  (با غنای حداکثر ۵٪) برای رآکتورهای تحقیقاتی و برق تولید کند. ایران همچنین در حال ساخت کارخانه تولید زیرکونیوم در اصفهان می باشد که به هنگام تکمیل، سالانه ظرفیت تولید ۱۰ تن زیرکونیوم را خواهد داشت. ایران در نامه مورخ ۵ می ۲۰۰۳، آژانس را از طرح خود برای شروع احداث کارخانه سوخت در اصفهان مطلع نمود. ایران در اواخر نوامبر ۲۰۰۳ با تسلیم اطلاعات طراحی مقدماتی برای این کارخانه، تصریح نمود که کارخانه سالانه ۳۰ تن  $UO_2$  تولید می کند. ایران در ۳۱ اوت ۲۰۰۴، اطلاعات طراحی روزآمد شده ای را تسلیم نمود که حاکی از افزایش ظرفیت کارخانه به سالانه ۴۰ تن  $UO_2$  بود. با اعلام این که برای تأمین نیازهای سوخت برای نیروگاه بوشهر سالانه حدود ۲۵ تن  $UO_2$  و برای رآکتور تحقیقات آب سنگین ۴۰ مگاواتی اراک سالانه حدود ۱۰ تن  $UO_2$  نیاز است، این کار صورت گرفته است.

#### برنامه رآکتور

ایران هم اکنون سه رآکتور عملیاتی تحت پادمان دارد:

- رآکتور تحقیقاتی تهران که در سایت مرکز تحقیقات هسته ای تهران واقع شده و یک رآکتور آب سبک ۵ مگاواتی است که از اواخر سال ۱۹۶۰ عملیاتی بوده است. در ابتداء، سوخت این رآکتور اورانیوم با غنای بالا یا آلیاژی از آلومینیوم بود. اما بعداً در اوائل دهه ۱۹۹۰ سوخت آن تغییر یافت و هم اکنون از سوخت با غنای تا حدود ۲۰٪ استفاده می کند.

- رآکتور مینیاتوری با چشمه نوترونی که در سایت مرکز فناوری هسته ای اصفهان واقع شده است و یک رآکتور آب سبک ۳۰ کیلوواتی است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ عملیاتی است و سوخت آن ترکیبی از آلومینیوم و اورانیوم با غنای ۲/۹۰٪ است.
  - رآکتور آب سنگین با قدرت صفر (HWZPR) که در سایت مرکز فناوری اصفهان واقع شده و یک رآکتور آب سنگین ۱۰۰ واتی است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ عملیاتی بوده و از سوخت اورانیوم فلز طبیعی استفاده می کند.
  - علاوه بر این، ایران در فرایند ساخت رآکتور آب سنگین اراک است. هرچند در ابتدا قرار بود این رآکتور در اصفهان ساخته شود، اما در سال ۲۰۰۲ تصمیم گرفته شد که این رآکتور در اراک ساخته شود. طرح اولیه رآکتور IR-۴۰ در سال ۲۰۰۲ کامل شد و سوخت آن اکسید اورانیوم طبیعی می باشد. قرار است این رآکتور در سال ۲۰۱۴ عملیاتی شود. ایران همچنین در حال ساخت کارخانه تولید آب سنگین در اراک است و گفته است که قصد دارد تولید آب سنگین را در آنجا از سال ۲۰۰۴ آغاز نماید.
  - واحد ۱ نیروگاه بوشهر که یک رآکتور ۱۰۰۰ مگاواتی آب سبک است و به نحوی طراحی شده که از اکسید اورانیوم با غنای کم (حداکثر تا ۵٪) به عنوان سوخت استفاده نماید، آغاز به کار آن قرار است در سال ۲۰۰۶ باشد.
- در جریان دیدار مدیرکل از ایران در فوریه سال ۲۰۰۳، ایران اطلاعات منابع آزاد درباره ساخت کارخانه تولید آب سنگین را تأیید کرد. هرچند ایران هیچ اطلاعاتی درباره قصد استفاده از این کارخانه را ارائه نداد، به موضوع امکان صادرات آب سنگین اشاره کرد. در ماه می سال ۲۰۰۳، ایران به آژانس اطلاع داد که قصد ساخت رآکتور آب سنگین IR-۴۰ را دارد و طرح اولیه رآکتور را ارائه کرد. به دنبال آن، ایران به آژانس اطلاع داد که تصمیم برای انجام کارهای تحقیق و توسعه برای رآکتور آب سنگین اوائل دهه ۱۹۸۰ گرفته شده است و در اواسط دهه ۱۹۸۰ کارهای آزمایشگاهی در سایت مرکز فناوری هسته ای اصفهان در خصوص تولید آب سنگین صورت گرفته است. ایران بعداً گفت که تصمیم برای ساخت رآکتور آب سنگین در اواسط دهه ۱۹۹۰ گرفته شده است. مقامات ایرانی در ۱۲ ژوئیه سال ۲۰۰۳ گزارشی در خصوص جنبه های فنی رآکتور آب سنگین اراک ارائه و اعلام کردند که طرح این رآکتور، یک طرح بومی است. هدف این رآکتور، تحقیق و توسعه و تولید رادیو ایزوتوپ ها برای مصارف صنعتی و پزشکی اعلام شد. در جریان بازدید از ایران در ماه ژوئیه ۲۰۰۳، طراحی های رآکتور IR-۴۰

به بازرسان آژانس ارائه شد. ایران موافقت کرد که طراحی اولیه این ساختمان را در زمان مقتضی ارائه دهد. در ماه می سال ۲۰۰۴، ایران اطلاعات طراحی روزآمد شده رآکتور را ارائه داد.

### بازفراوری

ایران بین سال های ۱۹۸۸ و ۱۹۹۳ آزمایش های جداسازی پلوتونیوم را در مرکز تحقیقات هسته ای تهران انجام داد. جعبه های محافظ که در آن ها این آزمایشها صورت گرفت، در سال ۱۹۹۳ برچیده شد و به آزمایشگاه جابربن حیان منتقل و از آن ها برای مقاصد دیگری استفاده گردید. ایران در نامه ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ موضوع پرتودهی اکسید اورانیوم تهی شده (UO<sub>2</sub>) را از رآکتور تحقیقاتی تهران و متعاقب آن تجربه جداسازی پلوتونیوم در جعبه های محافظ را در ساختمان ایمنی هسته ای مرکز تحقیقات هسته ای تهران اعلام کرد. در ملاقات هایی که از ۲۷ اکتبر تا ۱ نوامبر سال ۲۰۰۳ در ایران صورت گرفت، ایران اطلاعات بیشتری را درخصوص این تجربیات ارائه کرد. ایران گفته است که این تجربیات برای یادگیری فعالیت های چرخه سوخت و کسب تجربه در بازفراوری شیمیائی صورت گرفته است. در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۰۳ آژانس موفق گردید که از پلوتونیوم جدا شده که به صورت محلول پلوتونیوم در ۲ بطری که یکی از آن ها از محفظه خود کاملاً نشت کرده بود، نمونه برداری کند. به هر حال، طبق اطلاعات ارائه شده تا نوامبر ۲۰۰۳، آژانس به این جمع بندی رسید که: ایران مقدار پلوتونیوم جداسازی شده را کمتر از میزان واقعی آن اعلام کرده است (کمیت آن در حد میلی گرم بوده است، نه در حد میکروگرم که توسط ایران بیان گردید). ایران براساس محاسبه مجدد با استفاده از اطلاعات صحیح پرتودهی و معادلات اصلاحی در ماه می ۲۰۰۴ پذیرفت که تخمین های نظری آن از کمیت پلوتونیوم تولیدی کمتر بیان گردیده است و پذیرفت که تخمین آژانس صحیح بوده است.

### پلونیوم ۲۱۰

بین سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳، ایران دو هدف بیسموت را پرتودهی کرد و تلاش نمود تا از یکی از آن ها در رآکتور تحقیقاتی تهران پلونیوم استخراج نماید. این کار به عنوان بخشی از مطالعه درباره امکان تولید چشمه های نوترونی صورت پذیرفت. ایران گفته است که پروژه ای برای تولید پلونیوم ۲۱۰ یا تولید چشمه های نوترونی با استفاده از پلونیوم ۲۱۰ ندارد. در گذشته نیز هیچ مطالعه ای یا پروژه ای درخصوص تولید چشمه های نوترونی با استفاده از پلونیوم ۲۱۰ صورت نگرفته است. در سپتامبر ۲۰۰۳ با بررسی دفترچه گزارش در رآکتور تحقیقاتی تهران، توجه آژانس به این مسئله جلب شد که نمونه های فلز بیسموت در همان زمانی که تجربه های بازفراوری اتفاق افتاده (۱۹۹۳-۱۹۸۹)،



پرتودهی شده است. اگر چه بیسموت ماده ای هسته ای نیست که لازم باشد طبق پادمان جامع اظهار شود، اما پرتودهی بیسموت از این جهت مورد توجه آژانس قرار گرفت که منجر به تولید پلونیوم ۲۱۰ می شود. پلونیوم ۲۱۰ یک ماده رادیواکتیو شدید است که اشعه آلفا تشعشع می کند و علاوه بر برخی مصارف غیرنظامی مانند مصرف در ژنراتورهای ترموالکتریک و باتری های هسته ای، به همراه بریلیوم مصارف نظامی نیز دارد. ایران در نامه ۱۷ نوامبر ۲۰۰۳ به آژانس اعلام کرد که پرتودهی بیسموت با هدف تولید باتری های رادیوایزوتوپ و نه برای چشمه های نوترونی بوده است. آژانس در جریان بازدید از ایران در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۳، درخواست توضیحات بیشتری کرد و در ژانویه ۲۰۰۴ توانست با دو تن از دانشمندانی که درگیر پرتودهی بیسموت بودند، مصاحبه کند. براساس اظهارات آن ها دو هدف بیسموت پرتودهی شده و یکی از این تلاش ها برای استخراج پلونیوم ناموفق ماند و هدف پرتو داده شده دوم نیز دور انداخته شد. اظهارات ارائه شده توسط یکی از این دانشمندان تأیید کرد که این فعالیت ها بخشی از یک پروژه علمی برای مطالعه امکان تولید و استفاده باتری های رادیوایزوتوپ بوده است. در فوریه ۲۰۰۴ مقامات ایرانی گفتند که این آزمایش ها همچنین بخشی از مطالعه درباره چشمه های نوترونی بوده است، اما چون سوابق کمی در این خصوص باقی مانده بود آن ها نتوانستند شواهدی مبنی بر تأیید این ادعا ارائه دهند. اما ایران مدرکی به آژانس ارائه داد که بیانگر تأیید پروژه (توسط مدیریت مرکز تحقیقات هسته ای تهران است) و در آن اشاراتی به این استفاده ها شده بود. در جلسه ۲۱ ماه می ۲۰۰۴، مقام های ایرانی نظر قبلی خود را بیان کردند که اگر تولید و استخراج پلونیوم ۲۱۰ موفقیت آمیز بود، می توانست در باتری های رادیوایزوتوپ ترموالکتریک استفاده شود. آژانس هیچ اطلاعات موثقی ندارد که بیانگر نقض اطلاعات و اظهارات ارائه شده توسط ایران باشد. اما آژانس تا حدودی درخصوص منطق هدف های ذکر شده ایران برای این آزمایش ها با توجه به استفاده های محدود منابع پلونیوم ۲۱۰ نامطمئن است.

#### ب) اجرای پادمان (پیچیدگی ها)

بر اساس تمامی اطلاعاتی که تاکنون در دسترس آژانس قرار گرفته، روشن است که ایران در مواردی و طی زمانی طولانی در اجرای تعهدات خود طبق موافقت نامه پادمان برای گزارش مواد هسته ای، استفاده و فرآوری آن ها، همچنین اظهار تأسیساتی که این مواد در آن ها استفاده، فرآوری یا انبار شده اند، قصور داشته است. به عنوان اقدامات اصلاحی، ایران گزارش های تغییر سیاهه مربوط به تمامی این فعالیت ها را ارائه داده است، اطلاعات طراحی مربوط به تأسیساتی که در آن ها این فعالیت ها صورت

گرفته اند را ارائه کرده و تمامی مواد هسته ای اظهارشده را برای راستی آزمایی در اختیار آژانس قرار داد.

### ج) اجرای پادمان (همکاری)

#### همکاری در اجرای موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی

همکاری ایران تا اکتبر ۲۰۰۳ با تأخیر در دسترسی به برخی مواد و تأسیسات هسته ای همراه بود. با تصویب قطعنامه GOC/۲۰۰۳/۶۹ شورای حکام در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳، دکتر روحانی در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ به آگاهی مدیرکل رساند که ایران تصمیم گرفته است در هفته آینده تمامی فعالیت های گذشته و حال خود را برای آژانس ارائه نماید. رئیس سازمان انرژی اتمی نیز در نامه مورخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ خود به مدیرکل، بار دیگر تأیید نمود که جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفته است تا تصویر کاملی از فعالیت های هسته ای خود با هدف رفع هرگونه ابهام و شک و تردید درباره ماهیت صرفاً صلح آمیز این فعالیت ها و شروع مرحله جدیدی از اعتماد و همکاری در سطح بین المللی در این رابطه ارائه دهد. در ادامه این نامه آمده است که ایران آماده است تا در شفافیت کامل، هرگونه آشکارسازی را که آژانس ضروری تشخیص دهد ارائه نماید.<sup>۱</sup> همان طور که در تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ توسط آقای دکتر روحانی پیش بینی شده بود، پروتکل الحاقی توسط ایران در روز ۱۸ دسامبر ۲۰۰۳ امضاء شد. طبق اظهار ایران، اجرائی شدن پروتکل الحاقی از جمله نیازمند تصویب آن توسط مجلس می باشد که هنوز به وقوع نپیوسته است. با این وجود، ایران همان طور که در نامه مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ به آژانس تعهد نموده، به گونه ای عمل کرده که گویی پروتکل الحاقی لازم الاجراء می باشد. ایران در تاریخ ۲۱ مه ۲۰۰۴، اظهارنامه های اولیه خویش را به دنبال امضای پروتکل الحاقی ارائه کرد. ایران هنگام تسلیم اظهارنامه ها، آژانس را مطلع ساخت که این اظهارنامه ها قبل از موعد مقرر یعنی ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ به دنبال درخواست مدیرکل در سفر خود به ایران در آوریل ۲۰۰۴ ارائه می شوند. در تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۰۴ نیز ایران اطلاعات به روز شده اظهارنامه های خود را ارائه کرد. نظرات آژانس در مورد اظهارنامه های ایران، در ماه های ژوئیه، اوت و اکتبر ۲۰۰۴ با ایران مورد بحث قرار گرفت. این تبادل نظرات

---

<sup>۱</sup> آقای آقازاده در نامه اش همچنین به انتظار کشورش اشاره نمود مبنی بر این که آژانس در تهیه گزارش هایش، نگرانی ها و موانع پیش روی ارائه جزئیات کامل اطلاعات مربوط به این فعالیت ها در گذشته را به ویژه نگرانی درباره گسترش تحریم های غیرقانونی برای جلوگیری از اعمال حق لاینفک خود برای دستیابی به فن آوری صلح آمیز هسته ای تصریح شده در بند ۴ معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای، مدنظر قرار خواهد داد (آژانس).

همچنین فرصتی را برای آژانس فراهم آورد تا به درخواست های ایران برای روشن سازی تفسیر برخی از مواد پروتکل الحاقی پاسخ دهد. به درخواست آژانس، اصلاحاتی توسط ایران ارائه شده است. از اکتبر ۲۰۰۳، همکاری ایران به طور قابل توجهی پیشرفت کرده است. گرچه اطلاعات واصله در برخی موارد همچنان دیر هنگام و در انعکاس به درخواست آژانس تهیه می گردند، از دسامبر ۲۰۰۳ ایران دسترسی آژانس به مواد و تأسیسات هسته ای را طبق جدول زمانی براساس موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی تسهیل کرده است، علاوه بر این، دسترسی به دیگر نقاط در کشور را نیز فراهم و به آژانس اجازه داده است تا طبق درخواست آژانس، به نمونه برداری های محیطی بپردازد.

### بازدیدهای شفاف ساز

ایران از اکتبر ۲۰۰۳ در مسیر سیاست اعلام شده اش، در شفاف سازی کامل هرگونه واضح سازی اضافی که آژانس ضروری بداند را در جهت اعتمادسازی و همچنین به صورت داوطلبانه دسترسی به اطلاعات اضافی معین و نقاط مورد درخواست آژانس را فراهم کرده است. در ۵ اکتبر ۲۰۰۳، آژانس ۳ نقطه را در یک مجتمع صنعتی در کلاهدوز در غرب تهران که در گزارش های منابع آشکار مورد اشاره قرار گرفته بود، به عنوان فعالیت های مرتبط با غنی سازی مورد بازدید قرار داد. در حالی که کاری که بتواند مستقیماً در ارتباط با غنی سازی اورانیوم باشد مشاهده نشد، نمونه های محیطی گرفته شد و نتایج مربوطه هیچ گونه به کارگیری مواد هسته ای در فعالیت های انجام شده رانشان نداد. در طول نشست ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام، آژانس از ایران خواست تا در مسیر شفاف سازی، دسترسی به سایت لویزان- شیان را با در نظر گرفتن ارجاعی که در طول نشست شورا به این محل در ارتباط با ادعای انجام فعالیت های مرتبط با مسائل هسته ای در این سایت انجام شده بود و احتمال تلاش برای مخفی کاری از سوی ایران از طریق جابجایی ساختمان ها از این سایت، پس از نوامبر ۲۰۰۳ فراهم نماید. ایران اظهار داشت که پاک سازی محل در جهت پاسخگویی به دستورالعمل برای بازگرداندن این سایت به شهرداری تهران و در ارتباط با مجادله ای بین شهرداری و وزارت دفاع بوده است. در پاسخ به درخواست آژانس، ایران اسناد بیشتری در حمایت از توضیحاتش ارائه کرد که در حال حاضر در دست بررسی است. پس از ۲۸ و ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴، آژانس سایت لویزان- شیان را مورد بازدید قرار داد که در آنجا نمونه های محیطی اخذ شد. آژانس همچنین از برخی مکان ها و یک تجهیزات نمونه های محیطی اخذ کرد. ایران، تشریح فعالیت ها و گاهشمار وقایع سازمان های مستقر در لویزان- شیان بین سال های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۴ را ارائه کرد. آن طور که ایران توضیح داده است، مرکز تحقیقات فیزیک در

سال ۱۹۸۹ در این محل تشکیل شد و هدف آن آمادگی برای مبارزه و خنثی سازی جراحات های ناشی از حوادث و حملات هسته ای (پدافند هسته ای) و همچنین حمایت و پشتیبانی خدمات علمی برای وزارت دفاع بوده است. ایران فهرستی از ۱۱ فقره فعالیت های انجام شده در مرکز تحقیقات فیزیک را ارائه کرد. ایران در نامه ای به آژانس در تاریخ ۱۹ اوت ۲۰۰۴ همچنین توضیح داد که هیچ ماده هسته ای قابل اظهاری مطابق با پادمان آژانس در این سایت وجود نداشته است. ایران توضیح داد که فعالیت های مرکز تحقیقات فیزیک در لویزان از سال ۱۹۹۸ متوقف شد. نمونه هایی از پوشش گیاهی و خاکی از سایت لویزان- شیان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و هیچ مدرکی دال بر مواد هسته ای آشکار نشد.

#### (د) اجرای پادمان (ارزیابی کلی کنونی)

- ایران تلاش های اساسی را در طی دودهمه گذشته برای کسب تبهر در چرخه سوخت هسته ای مستقل به کار برده است. بدین منظور، ایران آزمایش هایی را برای کسب دانش فنی برای تقریباً تمامی زمینه های چرخه سوخت انجام داده است. برنامه هسته ای جاری ایران آن طور که به نظر آژانس می رسد، در صورت تکمیل به منظور خط پایانی چرخه سوخت هسته ای شامل معدن کاوی اورانیوم، آسیاب، تبدیل، غنی سازی، تولید سوخت، یک رآکتور آب سبک، تولید آب سنگین، یک رآکتور تحقیقاتی آب سنگین و تأسیسات مربوط به بخش تحقیق و توسعه می باشد.
- از اکتبر ۲۰۰۳ به بعد، پیشرفت های خوبی برای اصلاح قصور در اظهار توسط ایران صورت گرفته و آژانس این امکان را یافته است که برخی ابعاد اظهارنامه های جاری ایران را تأیید کند که این امر به صورت یک موضوع اجرای عادی پادمان پیگیری خواهد داشت.
- دو موضوع مهم درباره تحقیقات آژانس به منظور دادن تضمین مبنی بر این که هیچ گونه فعالیت اظهارنشده غنی سازی در ایران وجود ندارد، همچنان باقی است: منشأ آلودگی ذرات اورانیوم با غنای بالا و پائین و گستره تلاش ایران برای واردات، ساخت و استفاده از سانتریفیوژهایی با طراحی P<sub>1</sub> و P<sub>2</sub>.
- درباره موضوع اول یعنی آلودگی، از زمان ارائه اولین گزارش به شورای حکام، آژانس و کشوری که بیشترین سانتریفیوژهای P<sub>1</sub> از آنجا وارد شده بود در همکاری با یکدیگر همچنان نتایج تجزیه و تحلیل مربوطه را تبادل می کنند. این نتایج، عموماً برخلاف و در تضاد با نمونه

- های گرفته شده در ایران نیستند. ارزیابی کلی کنونی آژانس درباره این مسئله آن است که داده های محیطی نمونه برداری شده تاکنون به گونه ای متوازن، در جهت حمایت از اظهارنامه ایران می باشد مبنی بر این که بیشتر آلودگی مشاهده شده منشأ خارجی دارد.
- درباره موضوع دوم، تحقیقات بیشتری درخصوص شبکه تأمین، با توجه به اطلاعات بیشتری که ایران درباره واسطه های شبکه ای ارائه نموده است، لازم است تا آژانس بتواند درباره گستره برنامه غنی سازی سانتریفیوژی ایران ارزیابی خود را کامل کند. برخی کشورها حمایت چشمگیری از آژانس از طریق ارائه اطلاعات نموده اند. علاوه بر آن، مشورت هایی با کشوری که ایران از آن فناوری سانتریفیوژهای P1 و P2 را به دست آورده، در حال انجام است. یک بُعد این تحقیق به بیانیه ایران مبنی بر این که در فاصله سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ برنامه ای برای پیگیری طرح P2 نداشته است مربوط می شود.
  - آژانس همچنان در حال بررسی دیگر ابعاد برنامه هسته ای گذشته ایران و از جمله بیانیه های صادر شده این کشور درخصوص آزمایش های جداسازی پلوتونیوم به ویژه درباره تاریخ انجام این آزمایش ها است.
  - تمامی مواد هسته ای اظهارشده در ایران حسابرسی شده است و اینگونه مواد برای فعالیت های ممنوعه منحرف نشده اند. آژانس در عین حال در موقعیتی نیست که نتیجه گیری کند مواد و یا فعالیت های هسته ای اظهارنشده دیگری در ایران وجود ندارد. فرایند رسیدن به این نتیجه گیری بعد از این که پروتکل الحاقی لازم الاجراء شد، به طور طبیعی فرایندی زمان بر است.
  - آژانس همچنان گزارش های منابع آشکار را درباره برنامه هسته ای ایران پیگیری می کند. در این باره باید توجه داشت که تمرکز موافقت نامه های پادمان آژانس و پروتکل الحاقی به مواد هسته ای است و در صورتی که این رابطه (حقوقی) با مواد هسته ای وجود نداشته باشد، اقتدار حقوقی آژانس برای پیگیری راستی آزمایی فعالیت های مربوط به سلاح های هسته ای احتمالی محدود می شود.<sup>۱</sup> اما آژانس براساس رویه اش و در رابطه با ارزیابی اش از برنامه

---

<sup>۱</sup> مشکل اساسی که در انجام وظائف راستی آزمایی آژانس وجود دارد، بازکردن حساب ویژه برای گزارش های منابع آشکار (Open Source) می باشد. در مورد ایران، این گزارشات عموماً از مطالب ساختگی و انحرافی است که منافقین و سازمان جاسوسی سیا به آژانس ارائه داده اند. در هر موردی که آژانس بر اساس اطلاعات منابع آشکار درخواست بازرسی نمود، دروغ بودن ادعاهای مطرح شده نیز به وضوح آشکار گردید. اما متأسفانه آژانس در این زمینه درسی نگرفته است. همان گونه که مدیرکل گفته است این همکاری ها حتی فراتر از پروتکل الحاقی بوده است که بنابر حسن نیت ایران انجام شده اند، وگرنه هیچ محمل قانونی و حقوقی برای آژانس وجود نداشته و ندارد (مترجم).

های هسته ای دیگر کشورها، همچنان با همکاری ایران گزارش های منابع باز را دنبال می کند. ایران این اجازه را به آژانس داده است تا به عنوان اقدامی اعتمادساز از تعدادی سایت های نظامی مربوطه از جمله کلاهدوز و لویزان بازدید کند. آژانس هیچ فعالیت مرتبط با هسته ای در کلاهدوز یافت نکرد و درحال بررسی اطلاعات درباره سایت لویزان می باشد. آژانس همچنین در انتظار دریافت مجوز برای بازدید از سایت پارچین می باشد.

ه) دیگر درخواست های انجام شده از سوی شورای حکام: تعلیق

دامنه تعلیق

در ۱۰ نوامبر ۲۰۰۳ دولت ایران به مدیرکل آژانس اطلاع داد که تصمیم گرفته است تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی را به حالت تعلیق درآورد، به ویژه: تعلیق تمامی فعالیت ها در تأسیسات نطنز، عدم تولید مواد تزریقی برای فرایند غنی سازی، و عدم واردات مواد و تجهیزات مربوط به غنی سازی. این تعلیق، از همان تاریخ لازم الاجراء خواهد شد. شورای حکام در قطعنامهٔ GOV/۲۰۰۳/۸۱ خود که در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ تصویب شد، از تصمیم ایران برای تعلیق داوطلبانهٔ تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری استقبال و از ایران درخواست نمود تا به آن به طور کامل و به شیوه ای قابل راستی آزمایی پایبند بماند. ایران طی یک یادداشت غیررسمی در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۳ به آگاهی آژانس رساند که: فعالیت و آزمایش تمامی سانتریفیوژها را چه با و چه بدون مواد هسته ای در کارخانهٔ آزمایشی غنی سازی سوخت نطنز به حالت تعلیق درخواهد آورد؛ وارد کردن مواد هسته ای را به سانتریفیوژها به حالت تعلیق درخواهد آورد؛ نصب سانتریفیوژهای جدید را در کارخانهٔ آزمایشی غنی سازی سوخت نطنز و کارخانهٔ غنی سازی سوخت نطنز به حالت تعلیق درخواهد آورد؛ مواد هسته ای را تا آنجا که عملی است از تأسیسات غنی سازی اورانیوم خارج خواهد کرد. ایران در یادداشت غیررسمی خود همچنین اعلام نمود که: درحال حاضر هیچ گونه تأسیسات سانتریفیوژ گازی غنی سازی در هیچ نقطهٔ ایران به غیر از نطنز که در دست ساخت است ندارد؛ هیچ برنامه ای برای ساخت تأسیسات جدید دارای توان جداسازی ایزوتوپ ها طی دوران تعلیق ندارد؛ پروژه های غنی سازی لیزری خود را برچیده است و تمامی تجهیزات مربوط به آن را برداشته است؛ به هیچ وجه اقدام به ساخت یا راه اندازی هیچ گونه تأسیسات جداسازی پلوتونیوم نکرده است. ایران همچنین در این یادداشت غیررسمی اعلام نمود که: طی مدت زمان تعلیق هیچ قصدی برای انجام قراردادهای جدید برای تولید دستگاه های سانتریفیوژ و قطعات آن ها ندارد و آژانس می تواند به طور کامل بر انبار تمامی دستگاه های سانتریفیوژ مونتاژشده طی دوران تعلیق نظارت نماید؛ و ایران قصد واردات دستگاه

های سانتریفیوژ و قطعات آن ها یا مواد تغذیه برای فرآیند غنی سازی طی مدت زمان تعلیق را ندارد و هیچ نوع تولید مواد تغذیه برای فرآیند غنی سازی در ایران وجود ندارد. ایران در ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ به آگاهی آژانس رساند که دستورهایی طی اولین هفته ماه مارس برای اجرای تصمیمات داوطلبانه بیشتر، به این شرح صادر خواهد کرد: تعلیق مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها؛ تعلیق تولید داخلی اجرای سانتریفیوژ شامل آن هایی که مربوط به قراردادهای موجود می باشند تا بیشترین حدی که امکان دارد. ایران همچنین به آگاهی آژانس رسانید که تمامی قطعات ساخته شده براساس قراردادهای موجود که نمی توانند به حالت تعلیق درآیند، انبار شده و تحت نظارت و لاک و مهر آژانس قراردادده می شوند. ایران از آژانس دعوت نمود تا این اقدامات را راستی آزمایی نماید. ایران همچنین تأیید نمود که تعلیق فعالیت های غنی سازی شامل تمامی تأسیسات ایران می باشد.

شورا در قطعنامه ۲۱/۲۰۰۴/GOV خود مصوب ۱۳ مارس ۲۰۰۴، از ایران خواست اجرای تعهد خود برای تعلیق را گسترش دهد تا شامل تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری در سراسر ایران شود و از مدیرکل آژانس خواست تا اجرای کامل این اقدامات را راستی آزمایی نماید. ایران در ۱۵ مارس ۲۰۰۴ به آگاهی آژانس رسانید که آژانس می تواند راستی آزمایی تعلیق تولید قطعات سانتریفیوژ را از ۱۰ آوریل ۲۰۰۴ شروع کند. ایران طی نامه ای به تاریخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۴ به آگاهی آژانس رسانید که قصد دارد اقدام به آزمایش های داغ خط تولید UF<sub>6</sub> در UCF اصفهان نماید. در ۷ می ۲۰۰۴ آژانس طی نامه ای به اطلاع ایران رسانید که با توجه به میزان مواد هسته ای به کار گرفته شده، آزمایش داغ UCF با گاز UF<sub>6</sub> از لحاظ فنی به مفهوم تولید مواد تغذیه برای فرایند غنی سازی می باشد. ایران طی نامه ای به تاریخ ۱۸ می ۲۰۰۴ به آژانس اطلاع داد که ایران هیچ وقت تعهد نکرده است که اقدام به تولید مواد تغذیه برای فرایند غنی سازی ننماید. تصمیم اتخاذ شده برای تعلیق داوطلبانه و موقت، بر مبنای یک محدوده واضح و تعریف شده ای است که شامل تعلیق تولید UF<sub>6</sub> نمی باشد. ایران و آژانس در ۲۱ می ۲۰۰۴ توانستند به یک توافق درباره پیشنهاد آژانس راجع به دفعات بازدیدها طی دوازده ماه آینده برای راستی آزمایی تعلیق تولید قطعات سانتریفیوژ گازی در ۹ سایتی برسند که توسط ایران به عنوان سایت های دخیل در این فعالیت ها اعلام شده بودند. شورای حکام در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ در قطعنامه ۴۹/۲۰۰۴/GOV از ایران خواست تا بلافاصله تمامی قصورهایش را تصحیح کند و اختلاف موجود درباره فهم آژانس از دامنه تصمیمات ایران درباره تعلیق را از بین ببرد. شورا همچنین بر اساس تصمیمات ایران برای تعلیق داوطلبانه تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری، از ایران خواست به عنوان یک اقدام اطمینان ساز بیشتر به طور داوطلبانه

در تصمیم خود برای شروع تولید آزمایشی در UCF تجدیدنظر نماید و همچنین به عنوان یک اقدام اطمینان ساز دیگر در تصمیم خود برای شروع ساخت یک رآکتور تحقیقاتی آب سنگین تجدیدنظر نماید. مدیرکل در ۲۳ ژوئن ۲۰۰۴ نامه ای از ایران دریافت کرد که به اطلاع وی می رساند که ایران قصد دارد اجرای اقدامات داوطلبانه گسترش یافته را که در یادداشت ۲۴ فوریه ۲۰۰۴ این کشور آمده بود، به حالت تعلیق درآورد و این که ایران از اینرو قصد دارد تا تحت نظارت آژانس ساخت قطعات سانتریفیوژ و مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها را از ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ ازسرگیرد. طی آن نامه، ایران از آژانس درخواست نمود اقداماتی را که ممکن است برای ازسرگیری چنین فعالیت هایی در ۲۹ ژوئن ضروری باشند، اتخاذ نماید. آژانس در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ نامه ای را دریافت نمود که فهرست لاک و مهرهایی که قرار است از مواد، قطعات و تجهیزات مربوط به ساخت و مونتاژ قطعات سانتریفیوژ برداشته شوند را ارائه می داد. آژانس در نامه ای به تاریخ ۲۹ ژوئن ۲۰۰۴ دریافت نامه ایران را تأیید کرد و با برچیدن لاک و مهرها توسط متصدیان فنی در غیاب بازرسان آژانس موافقت نمود.

شورای حکام در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴، قطعنامه GOV/۲۰۰۴/۷۹ را تصویب نمود که در آن از ایران از جمله می خواست بلافاصله تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی شامل ساخت یا واردات قطعات سانتریفیوژ، مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها و تولید مواد تغذیه، شامل آزمایش های مستقیم یا تولید در UCF را تحت راستی آزمایی آژانس به حالت تعلیق درآورد. شورا همچنین بار دیگر از ایران خواست تا به عنوان یک اقدام اطمینان ساز دیگر، به طور داوطلبانه در تصمیم خود برای شروع ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین تجدیدنظر نماید. دولت ایران طی نامه ای به تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ به آگاهی مدیرکل رسانید که براساس توافقی که در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴ میان دولت ایران و دولت های فرانسه، آلمان و انگلیس و نماینده عالی اتحادیه اروپا حاصل شد، ایران تصمیم گرفته است به صورت داوطلبانه و به عنوان یک اقدام اطمینان ساز بیشتر تعلیق را ادامه داده و آن را به تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری گسترش دهد تا به ویژه تولید و واردات سانتریفیوژهای گازی و قطعات آن ها، مونتاژ، نصب، آزمایش یا راه اندازی سانتریفیوژهای گازی و تمامی آزمایش ها و تولید برای تبدیل تمامی تأسیسات تبدیل اورانیوم را دربرگیرد. ایران در نامه اش خاطرنشان ساخت و مجدداً تأیید نمود که ایران هیچ نوع فعالیت تبدیل اورانیوم ندارد و هیچ فعالیتی برای انجام جداسازی پلوتونیوم یا راه اندازی تأسیسات جداسازی اورانیوم ندارد. علاوه بر آن، ایران اعلام نمود که با هماهنگی آژانس مواد در UCF اصفهان در یک وضعیت ایمن، محفوظ و با ثباتی که فراتر از UF<sub>4</sub> نرود، قرار خواهد



گرفت. ایران از آژانس دعوت نمود تا این تعلیق را که از ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴ شروع خواهد شد، راستی آزمایی کند.

#### نظارت بر فعالیت ها

آژانس، فعالیت های نظارتی ماهانه خود را در کارخانه آزمایشی غنی سازی نطنز که آخرین آن در ۱۱ اکتبر ۲۰۰۴ بوده برای تضمین این که تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی در این کارخانه به طور کامل اجراء می شوند، ادامه داده است. رکوردهای مراقبت از سالن آبشار بررسی می شوند تا اطمینان حاصل شود که هیچ دستگاه سانتریفیوژ دیگری نصب نشده باشد. لاک و مهرها روی تجهیزات و مواد هسته ای بررسی می شوند تا اطمینان حاصل شود که برچیده و دوباره جایگزین نشده باشند. سالن محل آبشار همچنان تحت نظارت آژانس قرار دارد و تمامی مواد تغذیه UF<sub>6</sub> همچنان تحت لاک و مهر آژانس قرار دارند. دیگر فعالیت های انجام شده توسط آژانس در ارتباط با نظارت بر انجام تعلیق توسط ایران، شامل موارد زیر می باشند:

- راستی آزمایی اطلاعات طراحی در کارخانه غنی سازی نطنز؛
- نظارت بر وضعیت توقف فعالیت کارخانه آزمایش غنی سازی لیزر به روش اتمی در لشکرآباد از طریق دسترسی کامل؛
- بازرسی در آزمایشگاه جابربن حیان؛
- دیدار از چندین کارگاه که در آن ها قطعات سانتریفیوژ ساخته و یا انبار می شده اند، همچون کارگاه شرکت کالای الکترونیک.

لاک و مهرهایی که توسط آژانس به عنوان یکی از ابزارهای نظارت بر تعلیق ساخت، مونتاژ و آزمایش قطعات سانتریفیوژ در نطنز، پارس تراش و فرایند تکنیک به کاربرده شده بودند، توسط ایران برچیده و طی دیدار ۶ تا ۱۸ جولای ۲۰۰۴ به آژانس بازگردانده شدند. از نیمه اوت ۲۰۰۴، حدود ۷۰ روتور جدید مونتاژ و آزمایش شده بودند. تا ۱۰ اکتبر ۲۰۰۴ حدود ۱۳۵ روتور جدید مونتاژ شدند که شمار کلی روتورها در نطنز را به ۱۲۷۴ رسانید. آژانس هم اکنون با ایران درحال مذاکره درباره سازوکارهای لازم برای آژانس به منظور نظارت بر ساخت قطعات سانتریفیوژ و مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها به همان صورتی است که در نامه ۲۳ ژوئن ۲۰۰۴ ایران در نظر گرفته شده بود. آژانس در این باره پیشنهاد نمود که روتورهای آزمایش شده را لاک و مهر نماید. ساخت راکتور تحقیقاتی آب سنگین IR-۴۰ در جولای ۲۰۰۴ شروع نشده بود، اما آژانس هیچ مکاتبه ای از سوی ایران دریافت نکرده است که به طور

مشخص به درخواست شورا که از ایران می خواهد در تصمیمش برای شروع ساخت چنین تأسیساتی تجدیدنظر نماید، اشاره کند. آژانس براساس دعوت ایران در نامهٔ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۴، سازوکارهایی را برای شروع راستی آزمایی تعلیق توسط ایران در ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴ تهیه خواهد نمود.

## ۲. بیانیه جمهوری اسلامی ایران در شورای حکام<sup>۱</sup>

مایلم سخن را با تقدیر از مدیرکل و دبیرخانه آژانس به خاطر تلاش هایشان آغاز نمایم. قطعنامه ای که امروز به تصویب رسید، همچنان دارای نقائص و اشارات غیرضرور به مقاطع زمانی بالاتر از یک سال است و به تحولات اشاره کرده است که در قطعنامه های قبلی به آن ها پرداخته شده است. اجازه دهید برای یادآوری و ثبت در اسناد، آن چه را که در نوامبر گذشته گفتیم دوباره تکرار کنیم. هیچ تفسیری از اسناد حاکم بر روش اقدام این شورا نمی تواند ابزاری برای برخورد با این مسئله فراتر از چارچوب و ظرفیت معمولی قانونی اجرای پادمان و پروتکل الحاقی ایجاد کند. معیار توسل به چنان گزینه ای مقدار یا طول زمان نیست، بلکه انحراف است. از اینرو، در ارتباط با ایران هرگز زمینه حقوقی برای انجام این کار وجود نداشته است.

به هرحال، قطعنامه با درخواست از مدیرکل برای ارائه گزارش مقتضی به حرکت درمی آمد که البته امری طبیعی و عادی است. این رویکرد، فضایی آرام تر و بدون از تنش های دوره ای ایجاد می کند. این تنش ها، حل و فصل مسائل را در درازمدت غیرقابل تحمل می سازد. به علاوه، به رغم ارائه غیرضرور رئوس مطالب در دوره پیش از اکتبر ۲۰۰۳، گزارش و قطعنامه به نحوی بسیار شفاف گویای آن هستند که امروز ارزیابی مغفول مانده مدیرکل در نوامبر گذشته مبنی بر فقدان هرگونه انحراف اثبات شده است. فقدان وجود هرگونه ماده هسته ای و فعالیت اظهارنشده در راستای اجرای عادی موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی اثبات خواهد شد. این تنها هدف بسیار مهم این ابزارهای حقوقی است است و با احتراز از تحریکات کوتاه بینانه به منظور اتخاذ اقدامات فراحقوقی و اجازه دادن به اجرای عادی رژیم عدم اشاعه، اعتبار و تمامیت این رژیم و ابزار حقوقی آن ارتقاء خواهد یافت.

ما خود را متعهد به ادامه سیاست شفافیت و گسترش کامل همکاری ها با آژانس در این زمینه می دانیم. ما همچنین آمادگی داریم تمام گام های درحد توان خود را برای کمک به آژانس در حل و فصل دو موضوع باقی مانده یعنی منشأ آلودگی و گستره برنامه سانتریفیوژها برداریم. ما به نتیجه گیری گزارش مبنی بر این که حل و فصل این موضوعات اساساً در خارج از ایران انجام می گیرد، توجه کرده ایم. طی سال گذشته، ایران از هیچ تلاشی برای غلبه بر فضای خصمانه و حرکت به جلو با قول و تعهد اعتمادسازی و شفافیت و همکاری با آژانس دریغ نکرده است. ایران برای رسیدن به نقطه کنونی، اقدامات مهم اعتمادسازی انجام داده است. همان طور که در قطعنامه مصوب امروز مورد تأکید قرار

---

<sup>۱</sup> این بیانیه توسط پیروز حسینی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

گرفت، این اقدامات اعتمادسازی همچنان به صورت داوطلبانه و نه به عنوان یک الزام آور باقی مانده اند.

هیچ زبانی در قطعنامه یا هر جای دیگر نمی تواند این واقعیت شفاف و آشکار حقوقی را تغییر دهد. در واقع، همانگونه که ماده ۴ ان.پی.تی به طور آشکار تصریح می کند: "هیچ چیز در این معاهده نخواهد توانست به عنوان ابزار تأثیرگذار برحق لاینفک کشورهای متعاهد برای توسعه تحقیق، تولید و استفاده از انرژی هسته ای در مقاصد صلح آمیز آن هم بدون تبعیض و مطابق با مواد ۱ و ۲ معاهده، تفسیر شود." هنگامی که هیچ چیز در معاهده نمی تواند بر این حق مسلم تأثیر بگذارد، همین قطعیت و اطمینان در مورد هر چیز دیگر هم صادق است. ماده ۴، ستون بنیادین معاهده است که بدون آن ایران و هریک از دیگر کشورهای فاقد سلاح هسته ای آن را نمی پذیرفتند. ما دقت ویژه ای به خرج دادیم تا این موضوع به صورت سوء سابقه ای علیه منافع کشورهای در حال توسعه در نیاید و این خود یکی از دلایل مترتب بر این موضوع است که چرا این فرایند، پیچیده و زمان بر است.

قطعنامه امروز شورای حکام تا حدی فضا را برای یک فرایند مثبت و سازنده که متضمن تضمین های عینی متقابل در مورد شفافیت، عدم انحراف و دسترسی به فناوری هسته ای در مقاصد صلح آمیز است، فراهم کرده است. این قطعنامه اولین آزمایش مهم موافقت نامه پاریس است که سه کشور اروپائی جدیت خود را اگر نگوئیم به طور کامل در نتیجه، بلکه در فرایند کار نشان دادند. ما از دوستان خود در جنبش عدم تعهد به خاطر اتخاذ موضع اصولی و حمایت از این فرایند، قدردانی می کنیم و از دولت و ملت آفریقای جنوبی به خاطر حسن تدبیر در طول مرحله دشوار این فرایند به طور ویژه تشکر می کنیم. اکنون، ایران و سه کشور اروپایی مذاکرات دشوار خود را که در عین حال توان بالقوه زیادی در حصول به نتایج ملموس در سال گذشته داشته است، آغاز خواهند نمود. این مذاکرات باید تلاش دیرینه در واقع سیاست رسمی گروه تأمین کنندگان هسته ای (NSG) ظرف بیش از دوده گذشته برای محروم کردن ایران از دسترسی به فناوری هسته ای را که در تناقض کامل با ماده ۴ ان.پی.تی و به ویژه بند دوم آن است، خنثی نماید.

ایران به عنوان کشوری که به رغم تمام محدودیت های غیرقانونی به فناوری چرخه سوخت دست پیدا کرده است، خواهان رفع دغدغه های مشروع و واقعی در مورد ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای خود است. اقدامات اعتمادسازی ما تنها ابزار رفع این دغدغه هاست. احیای اعتماد به برنامه هسته ای هدف ماست و ما نهایت تلاش خود را برای تحقق هرچه سریعتر این هدف انجام خواهیم داد. هدف اصلی ما از مذاکراتی که در آستانه شروع آن هستیم، کسب تضمین های عینی و حصول اطمینان در مورد این

دو مسئله مهم است. اتکای ما به آژانس است تا تخصص فنی اجتناب ناپذیر و توصیه های خود را به ما ارائه دهد. جامعه بین المللی باید در این فرایند محوری سرمایه گذاری کند و تلاش های معطوف به انحراف از این فرایند را خنثی نماید و به حاشیه براند.

خلع سلاح و عدم اشاعه هسته ای به عنوان یک اقدام موقت، مهم ترین لازمه ثبات و رفاه جهانی است. ما قویاً معتقدیم که سلاح های هسته ای امنیت جمعی و فردی جهان را افزایش می دهد. این نکته در محاسبات راهبردی ایران و همچنین دکترین دفاعی و آموزه های ایدئولوژیکی آن ریشه دوانیده است. از اینرو، ایران بر ماده ۲ ان.پی.تی متعهد بوده و هیچ محدودیتی در ارائه تضمین های لازم در این خصوص ندارد. ما به طور همزمان مصمم هستیم از حق مسلم خود استفاده کنیم و انتظار داریم از تضمین های عینی و محکم مطابق با تعهدات مصرح در بند ۲ ماده ۴ برخوردار شویم که تصریح می نماید: "تمام طرف های متعاقد دارای وظیفه تسهیل و برخوردار از حق مشارکت کامل در تبادل تجهیزات مواد و اطلاعات علمی و فنی برای استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای می باشند".

### ۳. بیانیه عدم تعهد در شورای حکام

۱. نم از مشاهده روند رو به رشد حل و فصل موضوعات باقی مانده بین ایران و آژانس به ویژه از زمان اجلاس سپتامبر گذشته شورا تاکنون، خرسند است. این روند مثبت همچنین در گزارش های مکرر قبلی مدیرکل به منصفه ظهور درآمد و در حال حاضر نیز در گزارش موجود بیشتر مورد تأیید قرار گرفته است (بندهای ۱۰۶ و ۱۰۷).
۲. در حالی که نم آگاه است که آژانس هنوز سرگرم ارزیابی ابعاد دیگر برنامه گذشته هسته ای ایران است، از این حقیقت استقبال می کند که تمام مواد اظهارشده هسته ای در ایران مورد بررسی و حسابرسی قرار گرفته و چنان موادی هیچ انحرافی به سمت فعالیت های ممنوعه نداشته است. در همین راستاست که ما استمرار همکاری ایران در زمینه اجرای موافقت نامه پادمان و پروتکل الحاقی را ترغیب می کنیم (بندهای ۱۱ و ۱۲).
۳. برای ارائه تضمین های بیشتر مبنی بر این که هیچ فعالیت اظهارنشده غنی سازی در ایران وجود ندارد، تنها دو موضوع مورد تحقیق از سوی آژانس وجود دارد. در این ارتباط، نم توجه می کند که آژانس با کمک کشورهای ثالث پیشرفت مستمری در جهت حل و فصل این دو موضوع حاصل کرده و اطمینان دارد که این موضوعات در آینده نزدیک مختومه خواهد شد. نم توجه می کند که مدیرکل به گزارش های مقتضی خود به شورا ادامه خواهد داد (بند ۱۰۸).
۴. در این ارتباط، نم دلگرم است که دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت های فرانسه، آلمان و انگلیس با حمایت نماینده عالی اتحادیه اروپا، بر تعهدات مصرح در بیانیه مشترک تهران به تاریخ ۲۱ اکتبر ۲۰۰۳ تأکید مجدد می کنند و تصمیم گرفته اند با حرکت به سمت جلو، به مفاد موافقت نامه مربوطه همانگونه که در متن موافقت نامه ایران و اروپا در مورخ ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ آمده است، عمل کنند. ما از ایفای نقش کشورهای عضو جنبش عدم تعهد مبنی بر تقویت فضای همکاری برای یافتن یک راه حل مسالمت آمیز برای این موضوع قدردانی می کنیم. در این زمینه، از سایر کشورهای عضو دعوت می کنیم با حمایت خود به این تلاش ها بپیوندند.
۵. نم از تصمیم ایران مبنی بر اعتمادسازی بیشتر بر یک مبنای داوطلبانه دائر بر ادامه و گسترش حیطه تعلیق خود تا شامل تمامی فعالیت های مرتبط با بازفروری و غنی سازی شود، استقبال می کند. با این وجود، نم حق اساسی و مسلم تمام کشورهای عضو برای توسعه انرژی اتمی

در مقاصد صلح آمیز را مورد تأکید مجدد قرار می دهد و تأیید می کند که این رویکرد داوطلبانه، یک اقدام اعتمادساز است. ما همچنان بر این نظر هستیم که هرگونه تعلیق داوطلبانه باید هنگامی که مقتضیات مربوط برآورده شد، پایان یابد.

۶. نم در اجلاس سپتامبر تلاش کرد موضوعات را به نحوی تفکیک کند که اقدامات اعتمادساز، به تعهدات قانونی پادمانی مبدل نشوند. برای نیل به این مقصود، ما سپاسگزار خواهیم بود که هر تلاش لازمی در این گزارش برای تأمین خواست عدم تعهد صورت گیرد، چرا که این دو مقوله مرتبط با یکدیگر به هر حال موارد از هم جدایی نیز هستند. نم امیدوار است که مدیرکل نیز از این بعد در ارتباط با روند راستی آزمایی بین این مقوله، تمایز قائل شود.

۷. نم بر ضرورت حل و فصل اولیه این موضوعات در یک چارچوب فنی تأکید می کند. برای نیل به این هدف، نم اهمیت یکسانی برای اتخاذ تصمیمات شورا بر اساس اجماع برای خاتمه سریع این مسئله و برداشتن آن از دستور کار اجلاس آتی شورا و برخورد با آن به عنوان یک موضوع عادی مربوط به اجرای پادمان، قائل است.

#### ۴. قطعنامه شورای حکام<sup>۱</sup>

شورای حکام:

الف) با یادآوری قطعنامه های تصویب شده در شورای حکام در تاریخ های ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۴ (GOV/۲۰۰۴/۷۹)، ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ (GOV/۲۰۰۴/۴۹)، ۱۳ مارس ۲۰۰۴ (GOV/۲۰۰۴/۲۱)، ۲۶ نوامبر (GOV/۲۰۰۳/۸۱) و ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۳ (GOV/۲۰۰۳/۶۹) و همچنین نتایج قید شده در بیانیه پایانی نشست شورا در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ (GOV/OR.۱۰۷۲)؛

ب) با ملاحظه آخرین گزارش مدیرکل از اجرای تعهدات پادمانی NPT توسط ایران به شماره (GOV/۲۰۰۴/۸۳)؛

ج) با توجه به گزارش ویژه مدیرکل در این خصوص که ایران از مقطع اکتبر ۲۰۰۳ ممارست رو به جلویی برای اصلاح تعدادی از نقض های تعهدات خود طبق موافقت نامه های پادمانی داشته است، اما پیشرفت خوب در این زمینه از زمانی بوده که ایران اقدامات اصلاحی درمورد نقض تعهدات خود به عمل آورده و آژانس را قادر ساخته تا تصویری از اظهارنامه های جاری ایران را تأیید نماید؛

د) همچنین با توجه ویژه به گزارش مدیرکل مبنی بر این که همه مواد هسته ای ایران اظهار شده است و این مواد به سمت فعالیت های ممنوع (نظامی) منحرف نشده است، اما آژانس نیز هنوز در جایگاهی نیست که اظهار دارد ایران هیچ فعالیت هسته ای اظهار نشده و پنهانی ندارد؛

ه) با یادآوری درخواست قبلی شورای حکام از ایران برای متوقف کردن همه فعالیت های مرتبط با غنی سازی و عملیات بازفرآوری به عنوان یک اقدام داوطلبانه اطمینان ساز؛

و) با توجه به این موضوع که ایران تا ۲۲ نوامبر ۲۰۰۴ مصرانه به برخی از فعالیت ها شامل تولید گاز هگزا فلوراید اورانیوم (UF<sub>6</sub>) به رغم درخواست شورا در قطعنامه سپتامبر ادامه داده است؛

ز) با استقبال و توجه به موافقت نامه بین ایران با فرانسه، آلمان و انگلستان که با حمایت عالی اتحادیه اروپا همراه بوده و در ۱۵ نوامبر منتشر شده است که بر اساس آن دولت ایران تعهد کرد که تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری را همچنان ادامه دهد، و نیز با توجه به این که پیرو این موافقت نامه ایران رسماً قصد را خود برای ادامه تعلیق در نامه ۱۴ نوامبر به مدیرکل اعلام داشته است و از آژانس برای راستی آزمایی این اقدامات دعوت کرده است؛

---

<sup>۱</sup> GOV/۲۰۰۴/۹۰, ۲۹ NOVEMBER ۲۰۰۴.



ح) تأکید می کند که این تعلیق امری داوطلبانه و در جهت اعتمادسازی تلقی می شود، نه یک اقدام الزام آور حقوقی؛

ط) حق دولت ها را در توسعه و کاربرد انرژی اتمی برای مصارف صلح جویانه، شامل تولید انرژی الکتریسته، منطبق بر تعهد مبنی بر عدم انحراف فعالیت ها و با ملاحظه نیازهای کشورهای در حال توسعه به رسمیت می شناسد؛

ی) با تأکید بر نیاز به پادمان مؤثر برای جلوگیری از انحراف مواد هسته ای به سمت اهداف ممنوعه مغایر با موافقت نامه پادمان، و با تأکید بر اهمیت حیاتی پادمان مؤثر برای تسهیل همکاری ها در حوزه انرژی اتمی؛

ک) با قدردانی از مدیرکل و همچنین دبیرخانه نسبت به کارهای انجام شده در جهت حل مسائل مطرح در خصوص اجرای پادمان در ایران؛

۱. از تصمیم ایران برای ادامه و توسعه تعلیق فعالیت های مربوط به غنی سازی و بازفرآوری به عنوان یک اقدام داوطلبانه اعتمادساز که باید از سوی آژانس راستی آزمایی شود، استقبال و خاطرنشان می کند که شورا اجرای کامل و پایدار این اقدام اعتمادساز را برای پاسخ گویی مسائل باقی مانده به عنوان یک اقدام اطمینان ساز داوطلبانه و بدون الزام حقوقی ضروری می داند.

۲. از بیانیه مدیرکل مبنی بر این که تصمیم ایران برای ادامه گسترش تعلیق اجرایی شده است، استقبال و از وی می خواهد به راستی آزمایی تعلیق ادامه دهد و در صورتی که تعلیق به طور کامل ادامه نیافت یا از اقدام آژانس برای تأیید تمامی اجزای تعلیق جلوگیری شد، به اعضای شورا اعلام نماید.

۳. از تعهد مستمر داوطلبانه ایران برای اقدام مطابق با مفاد پروتکل به عنوان اقدامی اعتمادساز که حل و فصل مسائل باقی مانده را تسهیل می کند، استقبال می نماید و بار دیگر از ایران تصویب هرچه سریع تر رسمی آن را خواستار است.

۴. از سیاست پنهان سازی ایران تا اکتبر ۲۰۰۳ که موجب نقض هایی در تعهدات ایران برای پایبندی به پادمان NPT و (INFCIRC۲۱۴) شده، اظهار نگرانی جدی می کند و مجدداً بر اقدامات اصلاحی (ایران) که در گزارش مدیرکل آمده است، اذعان و تأکید می کند.

۵. از قصد مدیرکل برای دنبال کردن تحقیقاتش در خصوص تمامی مسائل باقی مانده به ویژه منشأ آلودگی و گستردگی برنامه ساترنیویژ ایران و نیز اجرای کامل موافقت نامه پادمان و پروتکل

الحاقی با دیدگاه معطوف به نتیجه گیری درخصوص عدم وجود فعالیت ها و مواد هسته ای اظهارنشده ایران استقبال می کند.

۶. بر اهمیت مداوم گسترش همکاری های کامل و فوری ایران به مدیرکل به منظور پیگیری موارد فوق تأکید می کند و از ایران می خواهد تا به عنوان یک اقدام اعتمادساز، اجازه دسترسی به هر مکانی را که آژانس ضروری می داند برطبق پروتکل الحاقی اعطاء نماید.

۷. از مدیرکل می خواهد که به صورت مقتضی در مورد یافته های خود بر اساس آن چه ذکر شد، به شورا گزارش دهد.

## ۵. بیانیه عدم تعهد پس از قطعنامه شورای حکام

### خانم رئیس

در رابطه با قطعنامه ای که بدون رأی گیری تصویب شد، مایلم موارد زیر را اظهار دارم:

۱. نم خرسند است که فضای مذاکرات در این اجلاس بهبود یافته است و با روح وین سازگاری داشته است.
۲. نم استقبال می کند که قطعنامه برخی از اصول اساسی عدم تعهد به ویژه موارد زیر را منعکس می کند:
  - تمایز شفاف بین اقدامات اعتمادساز داوطلبانه و تعهدات حقوقی پادمانی؛
  - حق اساسی و لاینفک تمامی کشورهای عضو برای توسعه انرژی هسته ای جهت مقاصد صلح آمیز.
۳. علاوه بر این، نم بر این نظر است که این موضوع باید در چارچوب مأموریت آژانس حل و فصل شود.
۴. مایلیم اظهار نمائیم در حالی که نم نگرانی های جدی در خصوص برخی عناصر پیش نویس قطعنامه تصویب شده داشت، تصمیم گرفت در پرتو مصالحه به اجماع بیوندد.
۵. در رابطه با بند یک اجرائی نم بر این نظر است که اصطلاح "ضروری"، اهمیتی را که شورای حکام برای اقدام اعتمادساز داوطلبانه ایران قائل است، برجسته می سازد.
۶. در پایان، مایلم که این بیانیه به طور کامل در سوابق این اجلاس منعکس گردد.